

بررسی سطح، الگو و تعیین کننده‌های مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

حسین محمودیان^۱ و راضیه خواجه‌نژاد^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

چکیده:

مهاجرت اغلب تصمیمی عقلانی است و با ارزیابی و مقایسه شرایط مبدأ و مقصد صورت می‌پذیرد. بر این اساس می‌توان گفت مهاجرت پدیده‌ای است که به شدت تحت تأثیر اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه شهر تهران، در مقایسه با سایر مناطق کشور، از شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسب‌تری بهره‌مند است، این شهر به یکی از کانون‌های اصلی جذب جمعیت تبدیل شده است، اما با توجه به ویژگی‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی مناطق و محله‌های شهر تهران، میزان جذب جمعیت مهاجر در هر یک از محله‌های این شهر متفاوت است. در این راستا هدف ما در این پژوهش بررسی مهاجرت‌های صورت گرفته به محله‌های شهر تهران و میزان تعیین‌کنندگی وضعیت اجتماعی-اقتصادی، رفاهی و جمعیتی محله در جذب مهاجران بوده است. در این پژوهش از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ در سطح حوزه آماری استفاده شده است. این داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Arc GIS و Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که میزان و الگوی جنسیتی مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران متفاوت است. پس از آن نتایج تحلیل دومتغیره پژوهش وجود رابطه معنادار میان ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و رفاهی محله و میزان مهاجرپذیری را تأیید کرد. در مدل نهایی چند متغیره تحقیق، مجموع متغیرهای وارد شده توانستند بیش از ۶۴ درصد از واریانس میزان مهاجرپذیری محله‌های شهر تهران را تبیین کنند. نتایج حاکی از آن است که مالکیت مسکن، میزان تحصیلات عالی، و قیمت مسکن مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران بوده و نقش تأثیرگذاری در جذب مهاجران به محله‌های مختلف این شهر داشته‌اند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، میزان مهاجرپذیری، نابرابری فضایی، ویژگی‌های محله، تهران.

۱. دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران hmahmoud@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). r.khajehnezhad@ut.ac.ir

**Investigating the Level, Pattern and Determinants of Accepting
(Immigrants in Tehran Neighborhoods during 2006-2011**

Hossein Mahmoudian¹, Razieh Khajehnezhad*²

Received: April 12, 2019

Accepted: November 20, 2019

Abstract

Migration is a rational decision and it is made based on the comparing of the origin and destination circumstances. In this respect this phenomenon affected extremely by economic and social conditions. Tehran has better economic and social conditions compared to other cities of Iran. Therefore, it has been one of the major population attraction hubs. However, rate of Immigrant population absorption differs in each district and more specifically each neighborhood, because of the variety of socio-economic features in each of them. In this regard, we aim to study the migrations to different neighborhoods of Tehran and investigate the impact level of socio-economic conditions in attracting the migrants. We have employed secondary analysis of the 2011-2012 census data at the statistical domain level which have been analyzed using arc GIS and Spss. Description results of the research showed that gender patterns and rates of immigration are different in each neighborhood. Afterward, two-variable analysis results confirmed a significant relationship between social, economic and welfare characteristics of the neighborhood and immigration rate. All variables in the Final model of multiple regression showed more than 64% of immigration variance in Tehran neighborhoods. Result showed that Housing ownership, housing price and educational degree are the most important determinants of immigration in neighborhoods and have effective role in the attraction of immigrants.

Keywords: Migration, Immigration Rate, Spatial Inequality, Neighborhood Characteristics, Tehran.

1. Associate Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran:
hmahmoud@ut.ac.ir

2. M. A. of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran: r.khajehnezhad@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

شهر تهران در طول چندین دهه گذشته به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از رشد و توسعه گسترده و پرشتاب برخوردار بوده است. انگیزه استفاده از امکانات بهتر، یکی از دلایل و جاذبه‌هایی است که افراد را به سمت تهران هدایت می‌کند. خانوارها و افراد با آگاهی از فرصت‌های موجود در شهر تهران، به این شهر مهاجرت می‌کنند و برای برخورداری و استفاده بیشتر از تسهیلات اجتماعی، اقتصادی و رفاهی در مناطق و محله‌های مختلف شهر تهران ساکن می‌شوند. این افراد عموماً با دستیابی به رفاه نسبی برای همیشه در این شهر ماندگار می‌شوند. از نتایج مهاجرت‌های بدون برنامه به شهر تهران، برهم زدن نسبت جنسی، ازدست‌دادن سرمایه انسانی در روستاها و سایر شهرستان‌ها، فرار مغزهای روستایی، افزایش مشاغل غیررسمی، افزایش فساد و ناهنجاری‌ها در تهران، توسعه و گسترش کالبدی و فضایی بی‌نظم این شهر و تمرکز جمعیت در محله‌های حاشیه‌ای می‌توان اشاره کرد. همچنین مسائل عمده‌ای مانند بالا رفتن شمار بیکاران شهری، خانه‌های کوچک، امکانات ناکافی آب و برق، کمبود امکانات رفت‌وآمد و کاهش کیفیت زندگی شهری را می‌توان ناشی از روی آوردن مهاجران به شهرهای بزرگی همچون تهران دانست. به مهاجرت همواره از سوی دولت‌ها به‌عنوان مسئله‌ای پیچیده نگریسته شده است و این پدیده را به‌عنوان عامل اساسی سامان‌دهی و کاهش مشکلات شهری می‌دانند. مهاجرت هرچند ساختار اجتماعی و جمعیتی واحدهای همسایگی را شکل داده و تغییر می‌دهد، اما خود نیز توسط ساختار اجتماعی - فضایی موجود شهر مشروط می‌شود (نکسو^۱، ۱۹۸۵: ۱۷۱). بر این اساس موضوع تحرک در محله‌های مختلف شهر تهران به‌دلیل رابطه اجتناب‌ناپذیر علت و معلولی بین مهاجرت و ساختار اجتماعی - فضایی آن نیازمند توجه و بررسی است.

شهر تهران در سال ۱۳۹۰ دارای ۳۷۴ محله با تفاوت‌های قابل‌ملاحظه در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، رفاهی و وضعیت مسکن بوده است. از طرف دیگر هریک از این محله‌ها، تعداد متفاوتی از مهاجران واردشده به شهر تهران را در خود جای داده‌اند. باوجود این، بسیاری از مطالعات و بررسی‌هایی که درباره مهاجرت و شهرنشینی وجود دارد، تفاوت‌ها در سطوح خرد که نمایانگر دقیق‌تری از «بعد فضایی» آن است را نادیده گرفته‌اند، درحالی‌که مهاجرت اساساً رفتاری فضایی است (موکرجی^۲، ۱۳۹۰: ۲۵). از این‌رو، بدون توجه به جنبه

1 knox

2 Mukherjee

فضایی مهاجرت و بر اساس شناخت ناکافی حاصل از آن، برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته کمتر مؤثر واقع خواهند شد. لذا برای فهم جامع‌تر این پدیده، لازم است که آن را در بستر فضایی-اش تحلیل کرد. بررسی و شناخت جریان‌های غالب جابه‌جایی‌ها، ویژگی‌های دفع و جذب مناطق و محله‌های و درنهایت پیش‌بینی الگوهای این تحرکات، مدیران و برنامه‌ریزان شهری تهران را قادر می‌سازد تا سیاست‌های مناسبی را به‌منظور کنترل و هدایت مهاجرت و پیامدهای آن اتخاذ کنند.

اهداف پژوهش حاضر شناخت تفاوت‌های محله‌ای مهاجرپذیری و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر تهران است که در قالب این سؤالات که مهاجرپذیری محله‌های شهر تهران به چه صورت است؟ وضعیت اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی محله‌های شهر تهران، چگونه است؟ تعیین‌کننده‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران کدام‌اند؟

مبانی نظری

برخلاف دهه‌های گذشته، اکنون نگاه به پدیده مهاجرت از نگاهی تک‌ساحتی به رویکردی بین‌رشته‌ای تبدیل شده است و رشته‌های مختلف علمی و دانشگاهی در تعامل با یکدیگر به مطالعه این پدیده می‌پردازند. الگوها و روندهای مهاجرتی بیانگر این واقعیت هستند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان این پدیده را به‌خوبی تبیین کرد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان نظریه‌های این پژوهش را در دو دسته نظریه‌های مهاجرتی و نظریه‌های شهری تقسیم‌بندی کرد.

نظریه‌های مهاجرتی

مدل‌های خرد مهاجرتی بر رفتار افراد و فرایند تصمیم‌گیری برای مهاجرت تمرکز دارد. در مقابل، مدل‌های کلان به مباحث فضایی مهاجرت یعنی مکان یا واحد جغرافیایی همچون کشور، منطقه و شهر می‌پردازند و به دنبال این پرسش هستند که افراد مهاجر از چه مناطقی خارج و به چه مناطقی وارد می‌شوند. در مدل‌های کلان تفاوت‌های منطقه‌ای به‌عنوان عاملی مهم برای فشار بر افراد برای مهاجرت از یک مکان و جذب مکان دیگر عمل می‌کند.

نظریه جاذبه و دافعه

اورت لی بر نظریه جاذبه و دافعه تأکید کرده و آن را منشأ بروز مهاجرت دانسته است. در نظریه وی چنین فرض شده است که هر یک از مناطق مبدأ و مقصد دارای عوامل مثبت (جاذبه) و عوامل منفی (دافعه) هستند. عوامل جاذبه، ماندگاری جمعیت و جذب مهاجر از مناطق دیگر را موجب می‌شوند. در مقابل، عوامل دافعه، ترک ساکنان به مناطق دیگر را به همراه خواهند داشت (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۵۹).

نظریه شبکه‌ای

به اعتقاد نظریه‌پردازان این دیدگاه، شبکه‌های مهاجرتی مشتمل هستند بر پیوندهای بین افراد که مهاجران قبلی و غیر مهاجران را در مناطق مبدأ و مقصد از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و یا خاستگاه اجتماعی مشترک به هم مرتبط می‌سازد. درون شبکه‌های مذکور حرکت‌های مهاجرتی رو به افزایش است، زیرا هزینه‌ها، خطرات ناشی از مهاجرت را کاهش داده و منافع حاصل از آن را افزایش می‌دهد. در واقع، ارتباطات و تماس‌های حاصل از این‌گونه شبکه‌ها نوعی سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید که افراد به وسیله آن به موقعیت شغلی بهتری دست می‌یابند (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۲).

نظریه‌های شهری

رویکرد بوم‌شناسی انسانی^۱

در این دیدگاه تغییرات محله به‌عنوان نتیجه یک فرایند قطعی طبیعی و بر اساس انتخاب منطقی اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. افرادی چون ارنست برگس^۲ (۱۹۲۵)، رابرت پارک^۳ (۱۹۲۵)، رودریک مک‌کنزی^۴ (۱۹۲۵) و هومر هویت^۵ (۱۹۳۳) از نظریه‌پردازان این رویکرد بوده‌اند. آنان معتقد بودند که محله‌های مرکزی شهرها، به دلیل دسترسی بهتر با ارزش‌ترین محله‌ها هستند. همچنین به دلیل وضعیت رقابتی، تجارت و کسب‌وکار صنعتی که در این مناطق وجود دارد، آن‌ها را به مرکز اشتغال در شهرها تبدیل کرده است. فرض این رویکرد بر این است که خانواده‌های کم‌درآمد ترجیح می‌دهند که در نزدیکی محل کار خود اقامت داشته باشند.

1 Human ecology approach

2 Burgess

3 Robert Park

4 Roderick McKenzie

5 Homer Hoyt

درحالی که افراد توانگر ترجیح می دهند که در نزدیکی محیط طبیعی و به دور از شلوغی های مرکز شهر زندگی کنند (بکووفن^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۶).

نظریه پیشنهاد- اجاره^۲

در ارتباط با کار برگس و بر اساس تجزیه و تحلیل اقتصادی محله های سکونتی، ویلیام آلونسو^۳ (۱۹۷۲) نظریه پیشنهاد- اجاره را مطرح کرد. ویژگی های اصلی که در این نظریه مورد توجه قرار گرفته اند: «نزدیکی و هزینه» است. بر اساس این نظریه، یک مصرف کننده به دنبال تعادل هزینه های رفت و آمد در برابر استفاده از هزینه های مسکونی است. از آنجا که خانواده های کم درآمد از زمین و مسکن با مساحت کم استفاده می کنند، آن ها به سمت زندگی در مکان های مرکزی گرایش پیدا می کنند. بنابراین تراکم جمعیت در محله های مرکزی بالا است. در نهایت بر اساس این نظریه می توان بیان کرد که انتخاب محله زندگی متأثر از تصمیم گیری های فردی مقرون به صرفه است.

جمع بندی نظریه ها و ارائه مدل تحقیق

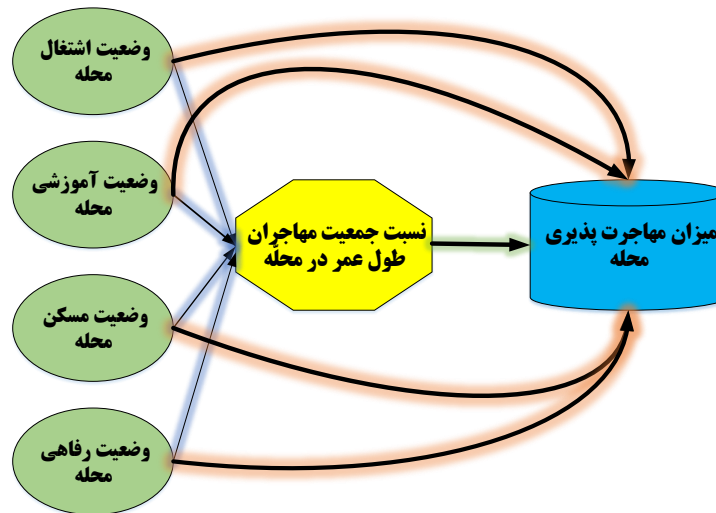
انتخابی بودن مهاجرت و تعیین کنندگی ویژگی های مقصد، ما را به این سمت سوق می دهد که ویژگی های محله های شهر تهران می توانند نقش مؤثری در جذب مهاجران داشته باشند. نکته مهم دیگر، داشتن ارتباط با مهاجران قبلی برای کاهش هزینه ها و ریسک های مهاجرت است که در نظریه شبکه ای به آن اشاره شد. با توجه به نظریه های ذکر شده در حوزه شهری، الگویی از سکونت در محله های شهری مورد انتظار است که بر اساس آن مردم از طبقات پایین و متوسط، به زندگی در مرکز شهرها گرایش دارند چراکه این مناطق به محل کار آنها نزدیک ترند و آن ها هزینه های رفت و آمد کمتری می پردازند. در مقابل، افراد از طبقات بالاتر به زندگی در مناطق دورتر از مرکز شهرها تمایل دارند چراکه این مناطق دارای آلودگی و شلوغی کمتری است. در این رویکرد فضا و سکونت در محله های شهری با طبقات اجتماعی ارتباط پیدا می کند.

1 Beckhoven

2 Bid-rent theory

3 Alonso

مدل ۱. مدل نظری تحقیق



پیشینه تحقیق

فان^۱ (۲۰۰۵) از مدل‌های جاذبه در مقاله خود تحت عنوان «مدل‌های مهاجرت درون منطقه‌ای چین» استفاده کرده است. در مطالعه وی به تفاوت‌های منطقه‌ای و نقش شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان عوامل مؤثر بر مهاجرت پرداخته شده است. یکی دیگر از مطالعاتی که در زمینه مهاجرت و بر اساس مدل جاذبه صورت گرفته است، مقاله دنیلا بونا^۲ (۲۰۱۲) است که در آن مهاجرت‌های داخلی رومانی بررسی شده است. در این پژوهش، میزان مهاجرپذیری به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای میزان اشتغال و بیکاری، مالکیت مسکن، میزان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، امکانات رفاهی، تراکم جمعیت و میزان جرم و جنایت به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد. حمدی و فتیحی (۱۳۸۸) در تحقیقی به دنبال تعیین عوامل مؤثر بر مهاجرت به کلان‌شهر تهران، مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در مبدأ و مقصد را مورد بررسی قرار دادند. فرض اصلی این تحقیق بر اساس مدل ترکیبی اورت لی و تودارو این بود که هرکدام از این عوامل در مبدأ و مقصد، در گسترش مهاجرت به شهر تهران تأثیرگذار هستند. بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق، از میان مؤلفه‌های ذکر شده، عوامل اقتصادی شهر تهران رتبه اول، عوامل اقتصادی مبدأ در رتبه دوم و عوامل سیاسی شهر تهران در جایگاه انتهایی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت به شهر تهران قرار گرفتند. مطالعه دیگری

1 Fan

2 Daniela Bunea

نیز توسط محقق ژاپنی بنام اگاوا^۱ (۲۰۰۳) انجام شده است. این محقق دریافت که در رابطه با مهاجرت و تعیین‌کننده‌های آن، به تدریج عواملی غیراقتصادی اهمیت یافته‌اند. برای نمونه، قابلیت دسترسی به مسکن به صورت عامل تعیین‌کننده‌ای در مهاجرت درون استانی در دهه ۱۹۸۰ تبدیل شده بود. آموزش نیز به منزله دلیلی برای مهاجرت در بین جوانان اهمیت پیدا کرد. همچنین عوامل جاذبه بخش‌های غیرکشاورزی شهری نیز قابل توجه بوده است.

قاسمی اردهابی (۱۳۸۵) تمایل به مهاجرت دانشجویان غیرتهرانی دانشگاه‌های تهران، شیراز و مازندران را مقایسه کرده است. از لحاظ تمایل به مهاجرت به تهران، دانشجویان تمایل پایینی را نشان دادند، ولی این تمایل در صورت فراهم بودن امکانات افزایش می‌یافت. مهم‌ترین عوامل جاذبه تأثیرگذار در تمایل به مهاجرت به تهران، اشتغال، امکانات رفاهی و بهداشتی و امکان ادامه تحصیل بودند. میزان هزینه‌های مهاجرت به تهران دومین متغیر تأثیرگذار بر میزان تمایل به مهاجرت بوده است. میزان تمایل به مهاجرت، با افزایش سطح شبکه مهاجرتی دانشجویان افزایش می‌یافت. دانشجویان با پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا سطح شبکه مهاجرتی بیشتری را در تهران دارا بودند.

در مطالعه‌ای که توسط آلبرت سیز^۲ (۲۰۰۷) انجام گرفت نشان داده شد که در شهرهای آمریکا بین اقتصاد محلی و مهاجرپذیری رابطه وجود دارد. مهاجرت، تقاضای مسکن در مناطق مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رابطه بین مهاجرپذیری و اجاره مسکن می‌تواند یک رابطه علی باشد. استفان جیوراج^۳ و همکارانش (۲۰۱۳) در پژوهشی در مورد عوامل تعیین‌کننده مهاجرت خانوادگی در محله‌های انگلستان نشان دادند اجاره مسکن، بیکاری و مساحت مسکن در هر کدام از محله‌ها نقش مهمی در سطوح مختلف مهاجرت در سراسر کشور دارد.

فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرپذیری محله‌های شهر تهران است و در این راستا به بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته می‌شود.

۱. به نظر می‌رسد بین نسبت بالای مهاجران طول عمر در محله، با میزان مهاجرپذیری رابطه معناداری وجود دارد.

1 Ogawa

2 Albert saiz

3 Stephen Jivraj

۲. به نظر می‌رسد بین وضعیت آموزشی در محله، و میزان مهاجرپذیری محله رابطه معناداری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی در محله و میزان مهاجرپذیری محله رابطه معناداری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین وضعیت مسکن در محله و میزان مهاجرپذیری محله رابطه معناداری وجود دارد وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین وضعیت رفاهی محله و میزان مهاجرپذیری رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ برای ۶۰۰۸ حوزه آماری شهر تهران است. داده‌های این حوزه‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS به داده‌های محله‌ای (۳۷۴ محله) شهر تهران تبدیل شده‌اند. متغیر وابسته در این پژوهش میزان مهاجرپذیری محله‌های شهر تهران طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ و متغیرهای مستقل وضعیت اقتصادی، جمعیتی، آموزشی، رفاهی و مسکن محله‌های شهر تهران در سال ۱۳۹۰ (جدول ۱) می‌باشند. تحلیل روابط بین متغیرها در سطوح دوم‌متغیره و چندمتغیره با استفاده از شاخص‌ها و آزمون‌های آماری نظیر همبستگی و رگرسیون خطی در محیط نرم‌افزار SPSS انجام می‌گیرد. واحد تحلیل در این پژوهش، محله و متغیر وابسته میزان مهاجرپذیری محله است.

مهاجران واردشده: در هر سرشماری، آن دسته از اعضای خانوارهای معمولی ساکن، گروهی و مؤسسه‌ای (دسته‌جمعی) که طی فاصله بین دو سرشماری متوالی (که معمولاً ده یا پنج سال است) به شهر یا آبادی وارد شده و در آن اقامت گزیده‌اند به‌عنوان مهاجران واردشده طی دوره موردنظر شناخته شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۱۰).

میزان مهاجرپذیری: عبارت است از نسبت همه افرادی که طی دوره زمانی مشخص به منطقه‌ای خاص وارد می‌شوند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی.

به‌منظور سنجش و عملیاتی کردن میزان مهاجرپذیری محله‌ها از فرمول زیر استفاده شده است:

$$۱۰۰ \times \frac{\text{تعداد کل مهاجران وارد شده به محله مورد نظر طی دوره ۱۳۸۵-۹۰}}{\text{جمعیت میان دوره محله مورد نظر}} = \text{میزان مهاجرپذیری محله}$$

جدول ۱. متغیرهای مستقل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آنها

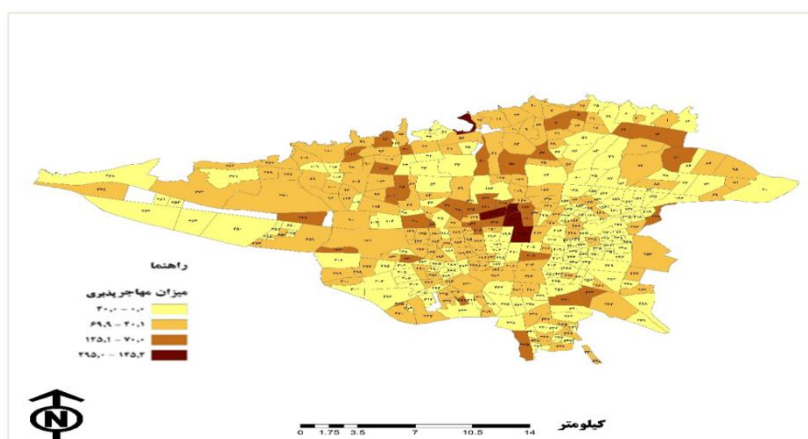
متغیر مستقل	مؤلفه
جمعیتی	نسبت جمعیت مهاجر طول عمر (سهم جمعیت افرادی که محل تولد آنها غیر از شهر تهران است) از کل جمعیت محله
وضعیت آموزشی	میزان باسوادی زنان، نسبت جمعیت با تحصیلات عالی
وضعیت اقتصادی	میزان فعالیت اقتصادی مردان، میزان فعالیت اقتصادی زنان، نسبت شاغلین دارای مشاغل رده بالا
وضعیت مسکن	نسبت واحدهای مسکونی ملکی، نسبت واحدهای مسکونی با مساحت بیش از ۱۰۰ متر
وضعیت رفاهی	نسبت خانوارهای دارای رایانه، نسبت خانوارهای دارای خودروی سبک، متوسط قیمت مسکن

یافته‌های پژوهش

میزان مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران

نقشه ۱ میزان مهاجرپذیری محله‌های شهر تهران را نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود بیشترین میزان مهاجرپذیری مربوط به محله‌های واقع در مناطق مرکزی شهر تهران است. پس از آن محله‌های نیمه شمالی و شمال غربی میزان نسبتاً بالای مهاجرپذیری دارند. کمترین میزان مهاجرپذیری نیز مربوط به محله‌های واقع در نیمه شرقی و جنوبی شهر تهران است.

نقشه ۱. میزان مهاجرپذیری محله‌های شهر تهران طی ۹۰-۱۳۸۵



منبع: بر اساس یافته‌های محقق

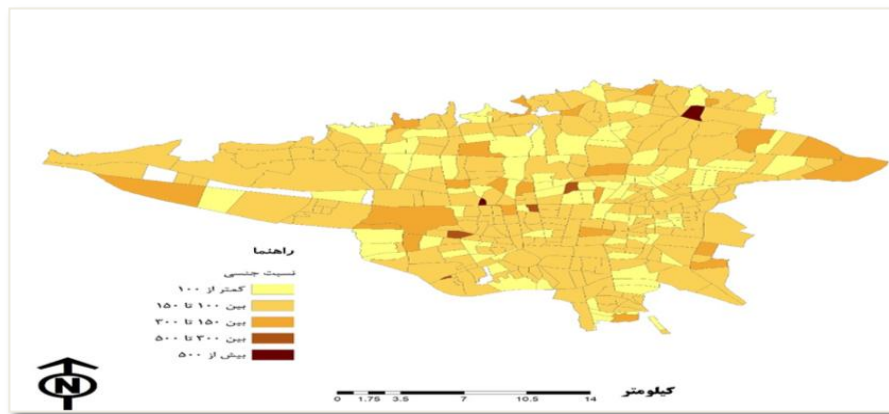
محله میدان ولیعصر واقع در منطقه ۶ تهران با میزان مهاجرپذیری ۲۹۵ به ازای هر هزار نفر، مهاجرپذیرترین محله در میان محله‌های شهر تهران است. پس از آن محله کوهسار در منطقه ۲ تهران با میزان مهاجرپذیری ۲۰۵ در هزار، در رتبه دوم محله‌های مهاجرپذیر شهر تهران قرار دارد. محله‌های پارک لاله، بهجت‌آباد و فردوسی نیز به ترتیب در مرتبه سوم، چهارم

و پنجم قرار دارند. در مقابل محله ولی‌آباد واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران، با میزان مهاجرپذیری ۱,۷ در هزار پایین‌ترین میزان مهاجرپذیری در بین محله‌های شهر تهران را دارد. عبدال‌آباد نیز با میزان مهاجرپذیری ۸,۵ در هزار، در رتبه دوم کمترین‌ها قرار دارد. محله حافظ در مرتبه سوم، شهرک دانشگاه تهران در مرتبه چهارم و محله کوثر در مرتبه پنجم محله‌های با پایین‌ترین میزان مهاجرپذیری قرار دارند.

الگوی جنسیتی مهاجرپذیری در محله‌های شهر تهران

نقشه ۲ نسبت جنسی مهاجران در محله‌های شهر تهران را نشان می‌دهد. نسبت جنسی مهاجران واردشده به محله‌های شهر تهران، از ۲۶ تا ۷۴۸ متغیر است. پایین‌ترین نسبت جنسی به محله‌های ونک با ۲۷، خانی‌آباد نوجنوبی با ۲۹، ایرانشهر با ۴۵,۸، باغ‌صبا-سهروردی با ۴۹,۷، کاووسیه با ۵۷,۴، فاطمی با ۶۵,۳ و میدان جهاد با ۶۵,۶ تعلق دارد. به عبارت دیگر محله‌های ذکرشده دارای الگوی مهاجرت زنانه می‌باشند و مهاجرین زن بیشتر در این محله‌ها ساکن شده‌اند.

نقشه ۲: نسبت جنسی مهاجران در محله‌های شهر تهران طی ۱۳۸۵-۹۰



منبع: بر اساس یافته‌های محقق

در مقابل محله‌های اراج با نسبت جنسی ۷۴۷,۹، زنجان با ۵۷۲,۳، اسماعیل‌آباد با ۴۵۰، جمالزاده-حشمت‌الدوله با ۳۹۶,۶، بهجت‌آباد با ۳۷۵,۸، شمشیری با ۳۱۲,۲ و فرودگاه با ۲۵۹,۸ از بالاترین نسبت جنسی مهاجران برخوردار هستند. به عبارت دیگر این محله‌ها دارای الگوی مردانه مهاجرت بوده‌اند و تعداد مردان مهاجر واردشده به این محله‌ها بالاتر از مهاجرین

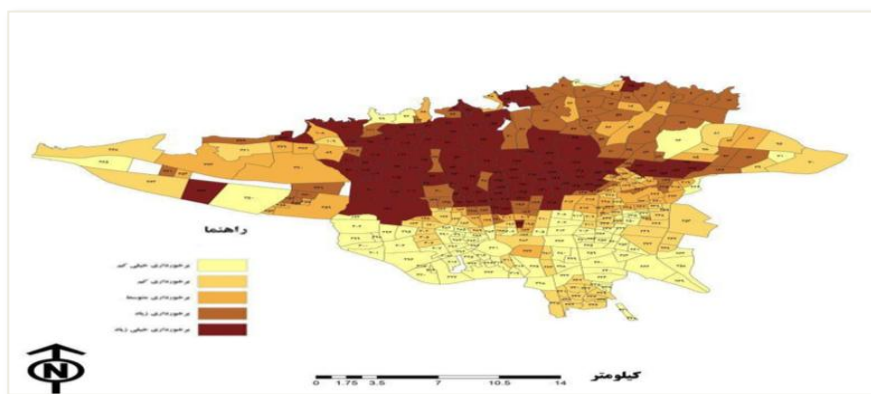
وارد شده زن بوده است. سکونت مردان مهاجر در محله‌های مرکزی شهر تهران بیشتر بوده است. در مقابل، زنان مهاجر علاوه بر سکونت در محله‌های مرکزی، در نیمه شمالی شهر تهران نیز ساکن شده‌اند. لازم به ذکر است که این وضعیت تا حدودی به نوع مهاجرت‌های (فردی یا خانوادگی) بستگی دارد.

وضعیت اقتصادی محله‌های شهر تهران

به منظور رتبه‌بندی محله‌های شهر تهران از لحاظ وضعیت اقتصادی از شاخص‌های میزان فعالیت اقتصادی مردان، میزان فعالیت اقتصادی زنان و نسبت جمعیت شاغل در مشاغل رده‌بالا استفاده شده است. با استفاده از مدل تاپسیس محله‌های شهر تهران از لحاظ برخورداری از وضعیت اقتصادی، در ۵ سطح رتبه‌بندی شده‌اند.

چنانچه در نقشه ۳ مشاهده می‌شود محله‌های مرکزی، نیمه شمالی و شمال شرقی شهر تهران، به ترتیب برخورداری‌ترین محله‌ها از لحاظ وضعیت اقتصادی هستند. محله‌های جنوبی شهر تهران نیز در پایین‌ترین سطوح قرار دارند. محله‌های غربی شهر تهران، از لحاظ وضعیت اقتصادی و اشتغال شرایط قابل توجهی دارند. چراکه محله‌های این منطقه در سطوح مختلف برخورداری از وضعیت اقتصادی قرار دارند و الگوی یکسان و مشابهی در بین این محله‌ها دیده نمی‌شود.

نقشه ۳. توزیع محله‌های شهر تهران برحسب وضعیت اقتصادی، ۱۳۹۰



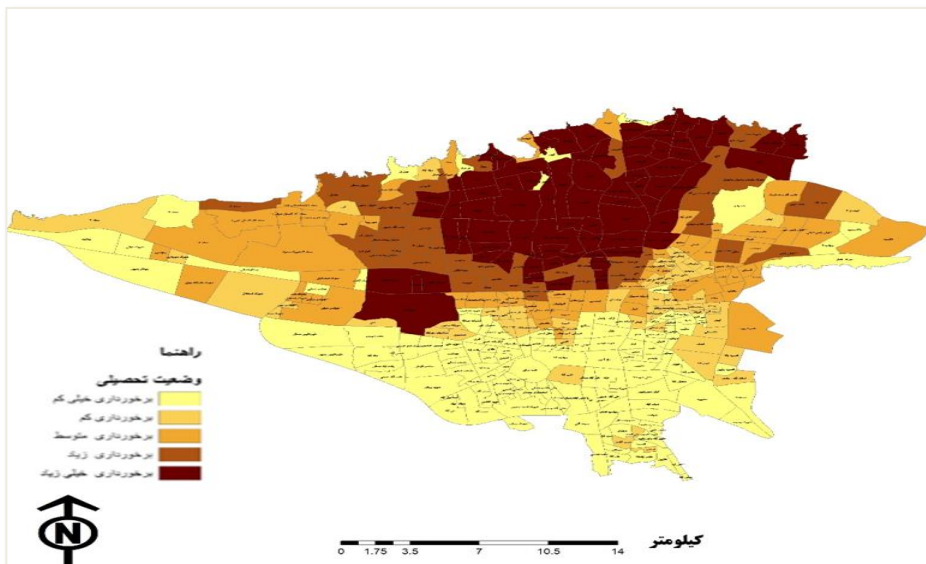
منبع: بر اساس یافته‌های محقق

وضعیت آموزشی محله‌های شهر تهران

برای سطح‌بندی محله‌های شهر تهران به‌لحاظ برخورداری از وضعیت آموزشی، از شاخص‌های میزان باسوادی مردان، میزان باسوادی زنان و نسبت جمعیت با تحصیلات عالی استفاده شد. با استفاده از مدل تاپسیس محله‌های شهر تهران از لحاظ برخورداری از وضعیت آموزشی، در ۵ سطح رتبه‌بندی شده‌اند.

نقشه ۴ تفاوت فضایی در بین محله‌های شمالی و جنوبی تهران را تأیید می‌کند. به‌طوری‌که بالاترین سطوح مربوط به محله‌های شمالی و پایین‌ترین سطوح مربوط به محله‌های جنوبی شهر تهران است. مناطق در منتهی‌الیه شرق و غرب شهر تهران با وضعیت متفاوتی (غالباً در سطوح متوسط) روبه‌رو هستند.

نقشه ۴. توزیع محله‌های شهر تهران برحسب وضعیت آموزشی، ۱۳۹۰



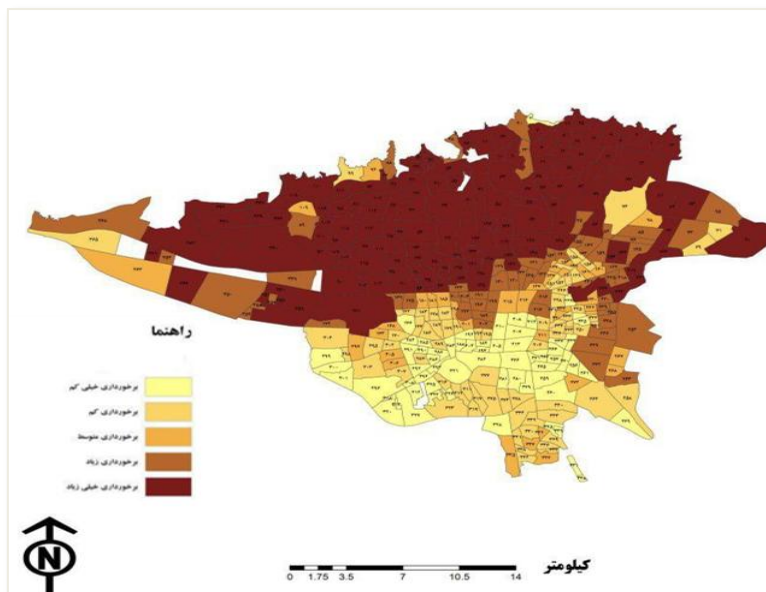
منبع: بر اساس یافته‌های محقق

وضعیت رفاهی محله‌های شهر تهران

وضعیت رفاهی محله‌های شهر تهران با استفاده از شاخص‌هایی چون نسبت خانوارهای دارای رایانه، نسبت خانوارهای دارای خودروی سبک و متوسط قیمت مسکن در محله، مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از مدل تاپسیس محله‌های شهر تهران از لحاظ برخورداری از وضعیت رفاهی، در ۵ سطح رتبه‌بندی شده‌اند. همان‌طور که نشان داده شده است، نابرابری

فضایی از لحاظ برخورداری از وضعیت رفاهی در بین نیمه شمالی و جنوبی شهر تهران بسیار چشمگیر است. نیمه شمالی شهر در بهترین وضعیت و نیمه جنوبی شهر در بدترین وضعیت قرار دارد.

نقشه ۵. توزیع محله‌های شهر تهران برحسب وضعیت رفاهی، ۱۳۹۰

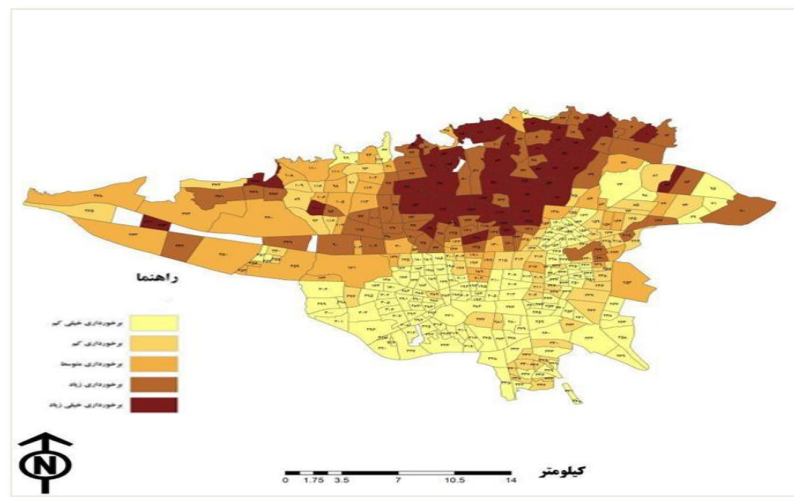


منبع: بر اساس یافته‌های محقق

وضعیت مسکن در محله‌های شهر تهران

محله‌های شهر تهران از نظر شاخص مسکن (مالکیت مسکن، نسبت واحدهای مسکونی با مساحت بیش از ۱۰۰ متر)، در ۵ سطح متفاوت تقسیم‌بندی شده‌اند. شدت نابرابری فضایی بین محله‌های شهر تهران از نظر برخورداری از مسکن، زیاد است. چنانچه در نقشه ۶ نشان داده شده است محله‌های برخوردار در نیمه شمالی شهر تهران قرار دارند. پس از آن، محله‌های مرکزی نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند. اکثر محله‌های شرقی و جنوبی شهر تهران در سطوح پایین برخورداری از وضعیت مسکن مناسب قرار دارند.

نقشه ۶: توزیع محله‌های شهر تهران برحسب برخورداری از مسکن مناسب، ۱۳۹۰



منبع: بر اساس یافته‌های محقق

مهاجرپذیری و وضعیت محله‌های شهر تهران

در این قسمت سعی می‌شود تا رابطه بین وضعیت‌های مختلف محله‌های شهر تهران با میزان مهاجرپذیری مورد بررسی قرار گیرد. سؤال اصلی این است که آیا روابط معنی‌داری بین مهاجرپذیری و وضعیت خاص محله‌های شهر تهران وجود دارد. به منظور بررسی روابط دومتغیره از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است (جدول ۲). چنانچه مشاهده می‌شود رابطه مثبت و معنی‌داری بین نسبت جمعیت مهاجران طول عمر در محله و میزان مهاجرپذیری وجود دارد. این رابطه نشان‌دهنده نقش تأثیرگذار مهاجران قدیمی در مهاجرت افراد جدید به شهر تهران است. همبستگی قوی میان نسبت جمعیت با تحصیلات عالی با میزان مهاجرپذیری در محله می‌تواند انعکاس‌دهنده وضعیت مهاجران وارد شده باشد. چنین مهاجرانی یا به‌طور نسبی از سواد و آموزش برخوردار بوده و به دنبال دستیابی به تحصیلات عالی به شهر و محله‌های مشخصی از تهران مهاجرت کرده‌اند و یا مهاجرانی انتخابی و با تحصیلات عالی بوده که به دنبال سکونت در محله‌هایی بوده‌اند که ساکنین آن از لحاظ سطح تحصیلات عالی در شرایط مطلوبی قرار داشته و هم‌تراز آنان بوده‌اند.

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی رابطه ویژگی‌های مختلف محله‌ها با میزان مهاجرپذیری

ویژگی‌های محله	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
نسبت جمعیت مهاجر طول عمر	۰,۴۶	۰,۰۰۱
میزان باسوادی	۰,۱۹	۰,۰۰۱
نسبت جمعیت با تحصیلات عالی	۰,۶۱	۰,۰۰۱
میزان فعالیت اقتصادی مردان	-۰,۳۲۶	۰,۰۰۱
میزان فعالیت اقتصادی زنان	۰,۲۳۲	۰,۰۰۱
نسبت جمعیت شاغل در مشاغل رده‌بالا	۰,۲۳۱	۰,۰۰۱
نسبت خانوارهای دارای مسکن ملکی	-۰,۲۳	۰,۰۰۱
نسبت واحدهای مسکونی بیش از ۱۰۰ متر	۰,۲۴	۰,۰۰۱
نسبت خانوارهای دارای خودروی سبک	۰,۱۴	۰,۰۰۵
نسبت خانوارهای دارای رایانه	۰,۱۹	۰,۰۰۱
متوسط قیمت مسکن	۰,۲۳	۰,۰۰۱

با افزایش میزان فعالیت و مشارکت اقتصادی مردان در محله‌های شهر تهران، میزان مهاجرپذیری کاهش می‌یابد. این می‌تواند تاحدی ناشی از تفاوت اقتصادی و اجتماعی محله‌ها و گزینشی بودن مهاجران باشد. مثلاً میزان مهاجرپذیری در محله‌های جنوبی شهر کمتر از مقدار مشابه در محله‌های شمالی است، درحالی‌که احتمالاً سن شروع به کار در محله‌های جنوبی (به علت تحصیلات کمتر) پایین‌تر است. ورود مهاجران با تحصیلات بالاتر (و سن شروع به کار بالاتر) به محله‌های شمالی نیز می‌تواند موجب تقویت چنین اثرگذاری باشد. دیگر متغیرهای مربوط به فعالیت و اشتغال رابطه مثبتی با میزان مهاجرپذیری دارند. میزان فعالیت اقتصادی زنان و نسبت شاغلین در مشاغل رده‌بالا در محله‌های شهر تهران به یک اندازه با میزان مهاجرپذیری در ارتباط است که می‌توان جایگاه اجتماعی-اقتصادی مناسب مهاجران و اهمیت اشتغال برای زنان مهاجر و نقش آنان در انتخاب محل سکونت را از آن استنباط کرد. رابطه نحوه مالکیت مسکن در محله‌های شهر تهران با میزان مهاجرپذیری، معکوس و معنادار است. به تعبیر دیگر محله‌هایی که نسبت واحدهای مسکونی ملکی آنان زیاد بوده است، تأثیر معکوسی بر جذب مهاجران داشته‌اند. این رابطه می‌تواند طبیعی و به اقتضای شرایط اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی مهاجران باشد. بسیاری از مهاجران به شهر تهران یا فاقد قدرت خرید مسکن بوده و یا به دلیل عدم آشنایی کامل با شهر و محله اقدام به خرید مسکن نکرده‌اند. از طرفی ممکن است برخی مهاجران وارد شده قصد اقامت طولانی‌مدت و دائمی در این شهر را نداشته، لذا در مسکن استیجاری اسکان پیدا کرده‌اند.

به موازات افزایش در واحدهای مسکونی با مساحت بیش از ۱۰۰ متر در محله‌های شهر تهران، میزان مهاجرپذیری نیز با شدت متوسطی افزایش یافته است. هرچند شدت رابطه بین این دو متغیر زیاد نیست اما رابطه مثبت و قابل‌تأملی بین میزان مهاجرپذیری و مساحت واحدهای مسکونی محله برقرار است. بنابراین به نظر می‌رسد که مهاجران وارد شده، افراد کم‌توانی نبوده و به سمت اقامت در محله‌هایی با واحدهای مسکونی با مساحت نسبتاً بالا و بالا سوق پیدا کرده‌اند. بین وضعیت رفاهی محله و میزان مهاجرپذیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هر یک از متغیرهای موجود در تحلیل این رابطه مثبت و معنادار را نشان می‌دهند. به عبارتی به نظر می‌رسد وضعیت رفاهی مطلوب در محله‌های شهر تهران توانسته است عاملی در جذب مهاجران به این محله‌ها باشد و مهاجران به دنبال بهبود شرایط زندگی خود و سکونت در محله‌هایی با شرایط مطلوب و برخوردار بوده‌اند.

همان‌طور که در اهداف تحقیق مطرح شد این مقاله به دنبال بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیتی، آموزشی، اقتصادی، وضعیت مسکن و وضعیت رفاهی محله بر میزان مهاجرپذیری است. با توجه به اینکه نتایج تحلیل دومتغیره وجود تأثیر ویژگی‌های محله بر میزان مهاجرپذیری آن را تأیید کرده است، در این بخش تأثیرگذاری هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (میزان مهاجرپذیری محله) با استفاده از تحلیل چندمتغیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۳ ضرایب رگرسیونی (Beta) تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان مهاجرپذیری را نشان می‌دهد. در مدل رگرسیونی به ترتیب ویژگی جمعیتی (نسبت مهاجران طول عمر)، متغیرهای مربوط به وضعیت آموزشی، اقتصادی، مسکن و وضعیت رفاهی محله وارد شده‌اند.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون چندمتغیره نشان‌دهنده تأثیر ویژگی‌های منتخب محله‌ها بر میزان مهاجرپذیری

ویژگی محله	متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
جمعیتی	نسبت جمعیت مهاجران طول عمر	۰,۴۶۶ ^{***}	۰,۳۳ ^{***}	۰,۲۶۳ ^{***}	۰,۲۲۳ ^{***}	۰,۲۲۱ ^{***}
آموزشی	میزان باسوادی	-	۰,۳۳۴ ^{***}	۰,۳۲۱ ^{***}	۰,۳۰۳ ^{***}	۰,۳۴۰ ^{***}
	نسبت جمعیت با تحصیلات عالی	-	۰,۸۸۲ ^{***}	۰,۹۹۶ ^{***}	۰,۹۴۶ ^{***}	۰,۹۰۷ ^{***}
اقتصادی	میزان فعالیت مردان	-	-	-۰,۲۳۸ [*]	-۰,۲۲۲ ^{***}	-۰,۱۰۹ ^{***}
	میزان فعالیت زنان	-	-	۰,۲۹۱ ^{***}	۰,۳۱۲ ^{***}	۰,۱۹۶ ^{***}
	نسبت مشاغل رده‌بالا	-	-	۰,۲۶۵ ^{***}	۰,۴۶۵ ^{***}	۰,۲۴۳ ^{***}
مسکن	نسبت خانوارهای دارای مسکن ملکی	-	-	-	-۰,۹۵۲ ^{***}	-۰,۹۲۳ ^{***}
	نسبت واحدهای مسکونی بیش از ۱۰۰ متر	-	-	-	۰,۲۰۱ ^{***}	۰,۳۵۴ ^{***}
رفاهی	نسبت خانوارهای دارای خودروی سبک	-	-	-	-	-۰,۱۴۲ [*]
	نسبت خانوارهای دارای رایانه	-	-	-	-	-۰,۲۹۸ [*]
	متوسط قیمت مسکن (در مترمربع)	-	-	-	-	۰,۴۲۵ ^{***}
ضریب همبستگی جمعی (R)		۰,۴۶۶	۰,۷۶۳	۰,۷۸۱	۰,۷۹۳	۰,۸۰۱
ضریب تعیین (R ²)		۰,۲۱۸	۰,۵۸۳	۰,۶۰۹	۰,۶۲۹	۰,۶۴۱

* معناداری کمتر از ۰,۰۱ * معناداری بین ۰,۰۱ و ۰,۰۵

باتوجه به جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود که مدل ۱ یعنی نسبت مهاجران طول عمر به‌تنهایی حدود ۲۲ درصد از واریانس میزان مهاجرپذیری در محله‌های تهران را تبیین کرده است. در مدل ۲ و با ورود ویژگی‌های آموزشی، قدرت تبیین مدل به ۵۸ درصد افزایش یافت. از میان متغیرهای آموزشی، بیشترین اثرگذاری مربوط به نسبت جمعیت با تحصیلات عالی در محله بوده است. این در حالی است که از میزان اثرگذاری نسبت جمعیت مهاجران طول عمر کاسته شده است. در مدل ۳ با ورود ویژگی‌های اقتصادی قدرت تبیین مدل به ۶۰ درصد افزایش یافت. پس از ورود متغیرهای اقتصادی به مدل، نسبت جمعیت با تحصیلات عالی همچنان بیشترین اثرگذاری را در مدل دارد. قدرت تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی تقریباً یکسان بوده است و تنها میزان فعالیت مردان رابطه معکوسی با متغیر وابسته مدل داشته است. در مدل ۴ با اضافه شدن وضعیت مسکن قدرت تبیین مدل به ۶۲ درصد افزایش یافت. در این مدل از اثرگذاری متغیرهای جمعیتی و آموزشی کاسته و به‌استثنای میزان فعالیت اقتصادی مردان، سایر متغیرهای اقتصادی با افزایش اثرگذاری همراه بوده‌اند. در این مدل، مالکیت مسکن قوی‌ترین عامل تأثیرگذار بوده است که رابطه‌ای معکوس با میزان مهاجرپذیری محله‌های تهران داشته است.

در کل، مجموع متغیرهای وارد شده در مدل نهایی (۵) توانستند بیش از ۶۴ درصد از واریانس میزان مهاجرپذیری را تبیین کنند، هرچند از میان متغیرهای مربوط به وضعیت رفاهی

محل، تنها قیمت مسکن تأثیر قوی‌تری داشته است. متغیرهای میزان فعالیت مردان و مالکیت مسکن تأثیر کاهنده و سایر متغیرها تأثیر افزاینده‌ای بر میزان مهاجری داشته‌اند. مالکیت مسکن و نسبت جمعیت با تحصیلات عالی، به ترتیب، قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان مهاجری محله‌های تهران بوده‌اند. از آن طرف، کمترین اثرگذاری، به ترتیب، به نسبت واحدهای مسکونی بیش از ۱۰۰ متر و میزان فعالیت مردان تعلق داشته است. نحوه اثرگذاری متغیرهای واردشده، نشان‌دهنده درجه اهمیت متفاوت ویژگی‌های مقصد در شکل‌گیری حرکات جمعیتی به سوی شهر تهران و سطوح خردتری چون محله‌های این شهر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت در یک خلاء فضایی صورت نمی‌گیرد، بلکه تصمیم‌گیری در زمینه مهاجرت، با ویژگی‌ها، شرایط و امکانات محیط در ارتباط است. وجود شرایط مناسب و دسترسی به امکانات و ویژگی‌های مربوط به مقصد یکی از عمده‌ترین انگیزه‌های مهاجران برای مهاجرت به شهر تهران است. از آنجاکه مهاجرت رفتاری حسابگرانه است مهاجران واردشده به شهر تهران، در انتخاب محله مناسب برای سکونت خود رفتار عقلانی و حساب‌شده‌ای داشته‌اند. اما با وجود این، تحلیل مهاجرت‌های پایتخت به دلیل پیچیدگی‌های پدیده مهاجرت و همچنین موقعیت و جایگاه تهران در بین سایر شهرستان‌های کشور با دشواری‌ها و چالش‌های گسترده-ای مواجه است.

چنانچه در مدل‌های کلان مهاجرت (به‌ویژه مدل جاذبه و دافعه اورت لی) عنوان شد؛ تفاوت‌های منطقه‌ای به‌عنوان عاملی مهم برای فشار بر افراد برای مهاجرت از یک مکان و جذب در مکان دیگر عمل می‌کنند که این مهم به‌خوبی در نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر قابل‌مشاهده است. نتایج نشان داد که وضعیت مطلوب محله‌های شهر تهران از لحاظ ویژگی‌های آموزشی، اقتصادی، مسکن و رفاهی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب مهاجران به این محله‌ها است. نسبت بالای مهاجران طول عمر در برخی محله‌های تهران و رابطه مثبت و قوی آن با میزان مهاجری در دوره اخیر به‌صراحت تأییدکننده نظریه شبکه‌ای است. از سوی دیگر، الگوی استقرار مهاجران در محله‌های شهر با نظریه بوم‌شناختی شهری پارک و نظریه پیشنهاد-اجاره آلونسو مطابقت دارد. به‌این‌صورت که محله‌های مرکزی شهر به‌دلیل انتخاب عقلانی افراد هنگام مقایسه هزینه‌های مسکن و رفت‌وآمد و دسترسی مطلوب به محل زندگی‌شان، دارای بالاترین تراکم مهاجران هستند. همچنین این امر که

تحصیلات بالاتر یک عامل جاذبه برای مهاجران به تهران بوده است مؤید انتخابی بودن مهاجران به شهر تهران است، زیرا تنها در صورت عقلانی بودن مهاجرت می توان تصور کرد که مهاجران ترجیح می دهند در بین هم محله‌ای‌هایی با تحصیلات بیشتر زندگی کنند و در مقابل هزینه بیشتری برای مسکن خود بپردازند. تحلیل رابطه فعالیت اقتصادی مردان و زنان با مهاجرپذیری در دو سطح فردی و خانوادگی امکان پذیر است، در سطح فردی می توان گفت که مردان به دلیل محدودیت کمتر نسبت به زنان، می توانند مسافت بیشتری را بین خانه و محل کار طی کنند و قطعاً نیز به دنبال مناطقی هستند که فرصت شغلی در آن بیشتر باشد. اما نزدیک بودن محل اشتغال زنان به محل سکونت آنان ممکن است به دلیل اهمیت وظایف خانگی (نزدیک بودن به خانه) و همچنین سکونت آن‌ها در مناطقی است که اشتغال زنان در آنجا بیشتر و یا نگرش نسبت به اشتغال زنان مثبت تر بوده باشد.

نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که تک تک ویژگی‌های مربوط به محله‌های شهر تهران، نقش تأثیرگذاری در جذب مهاجران به محله‌های مختلف این شهر داشته‌اند. بنابراین اگر پدیده مهاجرت در بافت فضایی آن مورد بررسی قرار نگیرد، توصیف و تبیین فرایند مهاجرت، کامل نخواهد بود. بدون توجه به جنبه فضایی مهاجرت، برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته کمتر مؤثر واقع خواهند شد. لذا برای فهم جامع تر این پدیده، لازم است که آن را در بستر فضایی خود تحلیل کرد. در این رابطه بررسی و شناخت جریان‌های غالب جابه‌جایی‌ها، ویژگی‌های دفع و جذب مناطق و محله‌ها و در نهایت پیش‌بینی الگوهای آینده این تحرک‌ها، مدیران و برنامه ریزان شهری را قادر می‌سازد تا سیاست‌های مناسبی را به منظور کنترل و هدایت پدیده مهاجرت و پیامدهای جمعیتی- فضایی آن اتخاذ کنند.

پیشنهاد‌های تحقیق

- کلان‌شهر تهران فاقد وحدت کالبدی بوده و ناهمگونی‌های فضایی بین شمال و جنوب آن به ویژگی اصلی ساختار فضایی کلان‌شهر تهران تبدیل شده است. ادامه روند کنونی چالشی اساسی در دستیابی به توسعه پایدار شهری است. بنابراین ضروری است مدیریت شهری تهران برای شناخت بهتر و مطلوب‌تر این پدیده و به‌کارگیری راه‌حل‌های نو و کارآمد برای کاهش اثرها و جنبه‌های مختلف نابرابری و دوگانگی فضایی گام‌های تازه‌ای بردارد.
- یکی از دلایل اصلی تمایل به مهاجرت به شهر تهران، احساس نابرابری فضایی است. جلوگیری از مهاجرت به تهران، مستلزم کاستن جاذبه‌های مقصد و دافعه‌های مبدأ است.

به‌علاوه نتایج پژوهش حاکی از انتخاب عقلانی مهاجران واردشده به محله‌های شهر تهران است. تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی و اقتصادی محله‌های شهر تهران نقش بسزایی در جذب مهاجران داشته است. لذا توزیع برابر امکانات و کاستن از شکاف موجود بین مناطق و محله‌های فقیر و غنی، به میزان زیادی از تراکم مهاجران در برخی محله‌های شهر تهران خواهد کاست.

- ارائه و در دسترس بودن داده و اطلاعات مربوط به سلامت، آلودگی هوا، درآمد و.. توسط سایر مراکز می‌تواند در روشن شدن سایر زوایای مسائل شهری مؤثر باشند.
- رویکرد تصمیم‌گیری از بالا به پایین و یک‌جانبه‌نگری و عدم همخوانی طرح‌ها و برنامه‌ها با شرایط موجود، باعث گسست در ساختار فضایی محله و عدم توفیق برنامه‌ها و سیاست‌های اعمال‌شده شده‌است. بنابراین توجه و تأکید برنامه‌ریزان و مدیران شهری بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین‌تر زندگی شهری امری انکارناپذیر است.

منابع

- حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه‌های مهاجرت. فصلنامه راهبرد. شماره ۴۱. ص ۴۲.
- حمدی، کریم و سروش فتحی (۱۳۸۸). عوامل مؤثر در گسترش مهاجرت به کلان‌شهر تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری. شماره ۳. ۳۵-۲۰.
- شالین، کلود (۱۳۷۲). دینامیک شهری یا پویایی شهرها. اصغر نظریان، مشهد: انتشارات آستان قدس، چاپ اول.
- طاهری، شهنام (۱۳۷۶). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی. تهران: نشر آروین.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹). فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۱. ۸۰-۵۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج عمومی نفوس و مسکن.
- موکرجی، شکر (۱۳۹۰). مهاجرت و تباهی شهری. فرهنگ ارشاد و عبدالله سالاروند، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- Alonso, William. (1972). A theory of the urban land market. *Papers in Regional Science*, 6(1), 149-157.
- Bunea, Daniela. (2012). Modern gravity models of internal migration. The case of Romania. *Theoretical and Applied Economics*, 4(4), 127.
- Champion, Tony., Fotheringham, Stewart., Rees, Philip., Boyle, Paul., & Stillwell, J. (1998). The determinants of migration flows in England: a review of existing data and evidence. A report prepared for the Department of the Environment, Transport and the Regions. Department of Geography, University of Leeds.

- Deshingkar, Priya., & Grimm, Sven. (2005). Internal migration and development: a global perspective . United Nations Publications. (No. 19).
- Fan, C. C. (2008). Migration, hukou, and the city. China urbanizes: Consequences, strategies, and policies, 65-89.
- Jivraj Stephen. (2013). "Modelling Spatial Variation in the Determinants of Neighbourhood Family Migration in England with Geographically Weighted Regression", Applied Spatial Analysis and Policy, 6(4):285-304.
- Knox, Paul (1982). Urban Social Geography an introduction: Longman scientific and technical, New York. London
- Ogawa, Naohiro. (1986). Internal migration in Japanese postwar development. , pp. 1-43.
- Saiz, Albert. (2007). Immigration and housing rents in American cities. Journal of urban Economics, 61(2), 345-371.
- Van Beckhoven, Ellen., Bolt, Gideon., & Van Kempen, Ronald. (2009). Theories of neighbourhood change and decline: their significance for post-WWII large housing estates in European cities. In Mass Housing in Europe . Palgrave Macmillan, London. (pp. 20-50).